

تبیین ارتباط حضور آسمان در فضای معماری و نگارگری دوره صفوی از منظر ساحت‌های حیات انسان*

مهندس زهراالسادات حسینی**، دکتر سید غلامرضا اسلامی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

چکیده

انسان معاصر به دلیل احاطه شدن در دنیای مدرن، تحت تأثیر فضای معماری خودساخته‌ای است که به دلیل حذف مظاهر طبیعی از جمله آسمان، انواع بیماری‌های جسمی و روانی را متحمل می‌گردد. از طرفی طبق نظریه اندیشمندان، نیازهای انسان در پاسخ به ساحت‌های مادی، روانی و معنوی او دسته‌بندی گردیده و فعالیت‌های او را در تمام دوران زندگی اش تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پژوهش نظری حاضر با رویکردی کیفی، به شیوه توصیفی تحلیلی و استدلال منطقی با شواهدی از منابع کتابخانه‌ای و آثار گرافیکی منتشرشده (شاهنامه شاه‌تیماسپی و خمسه نظامی)، با پاسخ به این سؤال که حضور آسمان در نگاره‌های بارز دوره صفوی به چه میزان ظاهر گردیده و به کدامیک از ساحت‌های انسانی توجه بیشتری داشته، تدوین شده است. نتایج، نشان می‌دهد که وسعت آسمان در نگارگری‌های مکتب اصفهان، با سهم عمده در ایجاد انگیزه در انسان جهت برقراری ارتباط با عالم بالا، باعث تأمین نیازهای معنوی انسان‌ها در عصر صفوی و شکوفایی هنر معنوی این دوره شده است.

واژه‌های کلیدی

حضور آسمان، فضای معماری، نگارگری ایرانی دوره صفوی، ساحت‌های حیات انسان.

* این مقاله برگرفته از رساله دکترای نگارنده اول با عنوان «بازآفرینی معماری ایران، مبتنی بر حضور و تجلی آسمان در فضای معماری با روخوانی معماری شیوه اصفهانی» است که به راهنمایی دکتر سید غلامرضا اسلامی و مشاوره دکتر ایرج اعتصام، در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام گرفته است.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: zs.hosseini@srbiau.ac.ir

***استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: gheslami@ut.ac.ir

مقدمه

نقاشی می‌توانند واسطه و رسانه‌هایی برای عرضه معنا باشند، معنا می‌تواند بین عرصه‌ها و رسانه‌های مختلف مشترک باشد. بسیاری از معماران معاصر پیوسته در تلاش برای انتقال معنای متداعی از یک اثر هنری به رسانه معماری بوده و در این راستا به بازگویی ایده‌ها و مفاهیم در محیط‌های نمادین می‌پردازند (برهانی فر و همکاران، ۱۳۹۶).

از طرفی، بهترین حالات انسانی از درک و تجربه فضای مأنوس با طبیعت شکل گرفته و طبیعت، همواره منبع الهام انسان برای بهتر زیستن بوده است. چنانچه طبیعت را در دو منبع مهم آسمان و زمین خلاصه نموده و نقش آسمان بر مبنای اسطوره‌های قدیمی ایرانی و همچنین آموزه‌های اسلامی، پررنگ‌تر و قابل توجه‌تر از زمین در نظر گرفته و بر نقش پدری آسمان که در اسطوره‌های ملل مختلف هم بیان گردیده، تأکید گردد، عدم حضور آسمان در فضاهای معماری و حتی نگاره‌های امروزی به‌عنوان مسئله مهمی در اثرگذاری بر جامعه انسانی اعم از بعد مادی، روانی و معنوی لحاظ گردیده که بازتاب آن در تغییر خواست و رفتار محیط مشهود است.

درواقع می‌توان اذعان داشت که علاوه بر تجلی طبیعت در معماری و اثر آن بر روی انسان، در سایر هنرها از جمله هنر نگارگری نیز، انس با طبیعت و درک حقیقت آن عرصه‌ای را برای نگارگر ایرانی ایجاد می‌کند تا با استنباطی که از وجود عناصر طبیعت در این عالم در ذهن خود دارد، بیانی نمادین به آن‌ها ببخشد و با انتخاب هوشیارانه این عناصر و قرار دادن آن‌ها در صفحه نقاشی، در جهت بیان بهتر اهداف خود از آن‌ها استفاده کند.

از آنجاکه معماری و نقاشی به‌عنوان دوشاخه از هنر، مانند بسیاری از هنرهای دیگر، در ابعاد مختلف معنا تشابهات زیادی دارند (برهانی فر و همکاران، ۱۳۹۶)، معماران می‌توانند با معطوف کردن ذهن خود از مفهوم موضوع نقاشی به معماری از ایده مشابهی به روش استعاری برای انتقال معنای نقاشی به معماری استفاده کنند. در این راستا در جابجایی از موضوع نقاشی به معماری با بهره‌گیری از قوه تخیل، رابطه‌ای انتزاعی برقرار می‌شود که بیانگر استعاره است (برهانی فر و همکاران، ۱۳۹۶) و از آنجایی که آسمان همواره ظهوری از نیروهای ماورایی، قدرت و قداست بوده است (ضرغام و حیدری، ۱۳۹۳)، لذا در پژوهش حاضر سعی شده است با تحلیل این مفاهیم استعاری در نگارگری دوره صفوی، میزان حضور آسمان در فضای زندگی و تأثیر آن بر ساحات وجودی انسان مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده در منابع کتابخانه‌ای به نظر می‌رسد

با عنایت به این‌که عالی‌ترین حالت و مطلوب‌ترین وضعیت برای انسان، حالت آگاهی و هوشیاری و بیداری وی و دوری از غفلت که جلوه‌گاه و ظهور تمایز انسان با سایر موجودات است، می‌توان گفت که عالی‌ترین نسخه همه موضوعات مربوط به انسان، نسخه‌هایی هستند که او را هوشیار و بیدار و آگاه نگه‌دارند، بر آگاهی و علم او بیفزایند، او را به سمت تعالی و کمال هدایت کنند، از غافل ماندن و غافل شدن او پیشگیری کنند و حس حضور را (به‌عنوان برآیند حس‌ها و دریافت‌های وی از محیط) به او القاء نمایند. از میان همه موضوعات، یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که می‌تواند عامل بیداری و آگاهی و هوشیاری و تعالی و کمال انسان و یا بالعکس زمینه‌ساز غفلت و خواب کردن اهل خویش و غوطه‌ور کردن مردم در قلمرو زندگی فیزیولوژیکی و دنیایی باشد، مجموعه محیط و فضای زندگی انسان است، زیرا مجموعه بسیاری از عناصر و اجزا و اصول و مفاهیم و رفتارها و فضاها و معانی است، همچنین انسان را به انجام رفتارهایی دلالت می‌کند و نیز ارزش‌هایی را به او القا می‌کند. به‌بیان‌دیگر محیط زندگی و از جمله شهر و معماری مجموعه اجزایی است که هر کدام از این اجزا می‌توانند به‌عنوان یادآور و تذکردهنده و هوشیار کننده انسان ایفای نقش کنند. از طرف دیگر حیات انسان در ابعاد مختلف قابل بررسی است که هر بعد نیز نیازهای خاص خود را دارد. به‌اجمال، برای حیات انسان سه بعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است و به‌تناسب این سه ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و امثال آن‌ها)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حب ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم‌بندی می‌شوند. به‌این ترتیب، حیات و وجود انسان متشکل از جنبه‌ها و ساحت‌های متمایزی است که برای هر جنبه و هر ساحت نیازهایی نیز قابل‌شناسایی و تعریف هستند (نقی زاده، ۱۳۹۱).

علاوه بر آن، کلیه ساحات و حالات انسانی در محیط و فضایی شکل می‌گیرد که می‌تواند بر تعدیل و یا تشدید آن حالت تأثیرگذار باشد. درواقع چنانچه محیط یا فضا را بستر معماری بدانیم می‌توان اذعان داشت که معماری می‌تواند جدا از وجهه کارکردی خود، واجد معنا بوده و معنای آن را به‌روشنی بیان کند. معماری به‌نوبه خود با در برگرفتن انسان و یا به‌واسطه تجربه‌ای که از درک فضا برای انسان ایجاد می‌کند می‌تواند در سایر هنرها نیز وارد شده و از طریق حواس پنج‌گانه مخصوصاً حس دیدن، احساس حقیقی درک فضا را برای مخاطب تکرار نماید. به تعبیر دیگر، معماری و سایر هنرها همچون

و رنگ و نمادهای سمبلیک، عناصر طبیعی و غیره به موضوع نگاره‌ها و نقاشی‌های ایرانی در دوره‌های گذشته پرداخته شده و در تحلیل آثار نگارگری ایرانی کمتر به ساحت‌های معنوی و روانی پرداخته شده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است که ضمن بررسی ارتباط نگارگری و معماری ایرانی، با بازنمایش آسمان در نگارگری دوره صفوی، حضور آسمان از منظر ساحت جسمانی، روانی و معنوی انسان مورد کنکاش قرار گیرد.

مبانی نظری پژوهش

هنر، بیش از هر چیز وابسته به طبیعت و تجلیات آن است، به بیان دیگر، انسان، آموخته‌هایش از طبیعت را در قالب هنر به نمایش گذارده است. در همین راستا، ایرانیان که از گذشته تا به امروز احترامی ویژه برای طبیعت قائل بوده‌اند، آثار خود را یا از طبیعت برگرفته و یا به آن ممزوج کرده‌اند. بر اساس اسطوره‌های ایرانی، آسمان به‌عنوان پدر طبیعت، بزرگ و مقدس و متعالی، دست‌نیافتنی و وسیع و باشکوه، نقشی اساسی در شکل‌گیری هنر ایرانی داشته است. خصوصاً هنر قدیم که لطافت روح هنرمندان به دنیای پر از فتاوری معاصر گره نخورده بود، این اثربخشی نمود بیشتری داشت. مروری بر هنر ایرانیان از گذشته تا به امروز، از جمله قصه‌ها و افسانه‌ها، دیوان شعرا، آثار نقاشی اعم از مینیاتورها و آثار نگارگری، موسیقی، نقش فرش و غیره که هر یک به‌نوعی در آثار این هنرمندان به نمایش گذاشته شده‌اند؛ وحدت کلمه‌ای برای اثبات بزرگی و بی‌کرانگی آسمان و درعین حال همه‌جانبه بودن و رافع نیازهای بشری بودن را اثبات می‌نماید. هم‌چنین بازنمایش آسمان در هنرها می‌تواند تأثیر آن را بر سلامت جسم و جان انسان‌ها به اثبات رسانده و به اهمیت حضور آسمان در فضای زندگی انسان‌ها تأکید نماید. در جهت نمایش تأثیر آسمان بر بهبود زندگی انسان، تلفیق و ترکیب دو دیدگاه غربی و اسلامی جهت همپوشانی بهتر و ایجاد یک دید همه‌جانبه‌ی تأمین نیازهای انسان، ترکیب مراحل نیازهای انسان بر مبنای دیدگاه آقای مازلو و ساحت انسانی بر مبنای دیدگاه اسلامی است.

هرم مازلو، بر اساس شکل ۱، هرمی پنج‌گانه بوده که به‌صورت پله‌ای از ابتدایی‌ترین نیاز انسان یعنی نیازهای فیزیولوژیکی به‌صورت پایین‌ترین سطح شروع شده و پس از طی پله دوم یعنی نیازهای امنیتی به پله سوم یعنی نیازهای اجتماعی رسیده و پس از گذر از پله چهارم یا همان نیازهای احترامی به آخرین مرحله یعنی نیازهای خودشکوفایی می‌رسد. بدیهی است که همه موجودات عالم به‌طور طبیعی تا پایان عمر، برای تأمین نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی و اجتماعی در تلاش هستند اما آنچه باعث تمایز انسان با سایر موجودات می‌گردد، میل به

مطالبی هم‌راستای عنوان این پژوهش به‌صورت مستقیم وجود نداشته است، لیکن در مورد مطالعه‌ی نقاشی به‌عنوان منبع تاریخ معماری که در تجزیه و تحلیل و بازنمایی بناها و شهرهای دوره رنسانس تا دوران معاصر کمک کرده است، می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته توسط برخی از معماران و شهرسازان غربی از جمله ادموند بیکن، یا کوب بوکهارت و گیدئن اشاره نمود. البته در این زمینه دو پژوهش توسط (حیدرخانی، ۱۳۹۴) در مقاله «نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخ معماری ایران» و (فروتن، ۱۳۸۹) در مقاله «زبان معماران نگاره‌های ایرانی» صورت گرفته است.

در پژوهش نخست، محقق نقاشی ایرانی را به‌عنوان مدرک مهم تصویری برای مطالعه‌ی تاریخ معماری ایران بررسی کرده و چگونگی استفاده از آن را در قالب شناخت کلیاتی درباره نقاشی ایرانی، انواع نقاشی ایرانی به اعتبار محل و محل به کارگیری آن‌ها و نسبتشان با معماری مورد پژوهش قرار داده است و نهایتاً با اشاره به ظرفیت‌های نقاشی‌های ایرانی، آن‌ها را در زمره یکی از مدارک مهم تاریخ معماری ایران قلمداد کرده و اطلاعاتی ارزشمند در مورد روش‌های ساخت و نوع مصالح بناها، کیفیات فضایی و نحوه استفاده از فضاها را در اختیار محققین قرار داده است.

در پژوهش دوم نیز پژوهشگر از نگاره‌های دوران اسلامی به‌ویژه از ایلخانی تا اوایل صفوی برای شناخت معماری اسلامی ایران استفاده نموده است. محقق ضمن بررسی شیوه‌های بیانی نگارگری در تبیین معماری در دوره مورد نظر به بررسی تاریخ تصویر بناهای معماری، مقایسه نگاره‌ها با نمونه‌های معماری اسلامی ایران و نگاره‌های دیگر فرهنگ‌های اسلامی پرداخته است و در نهایت ویژگی‌های بیانی نگارگری اسلامی ایران را در تبیین معماری ایرانی ارائه نموده است.

در پژوهش دیگری که توسط (نقی‌زاده، ۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «ساحت‌های حیات و مراتب هنر» تدوین گردیده است، ارتباط بین ساحت‌های حیات انسانی و مراتب هنر مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش محقق ضمن تأکید بر ارتباط بین اثر هنری، هنرمند و اجتماع به چندبعدی بودن انسان و قائل شدن ساحت‌های مختلف برای هستی او از جمله ساحت‌های روحانی (معنوی)، روانی (ذهنی) و مادی (فیزیکی) به طبقه‌بندی نیازهای مختلف انسان در قالب علل فاعلی، مادی، صوری و غایی پرداخته است.

همچنین پژوهش‌های دیگری توسط سایر محققین از جمله (نصر، ۱۳۷۵، ف ۵)، در کتاب «هنر و معنویت اسلامی» با گردآوری مجموعه‌ای از مقالات در خصوص ارتباط معماری و نگارگری در سال‌های اخیر ارائه شده است، لیکن بررسی نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که در هر یک از آثار فوق تنها از ساحت جسمانی همانند نور



شکل ۱. هرم مازلو

بود که در این حالت گزینه و آرا متکی بر ماده علت فاعلی خواهد بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۰).

این سه ساحت در کلیه موارد هستی‌شناسی، قابل بررسی است. به عبارت دیگر، هر عنصر یا هر موضوع از دیدگاه مادی به نیازهایی توجه دارد که اصولاً انسان، به خودی خود، برای تداوم حیات مادی و بقای زندگی خویش به آنها توجه دارد. به عنوان مثال برای شناخت آسمان از جنبه مادی، باید به این نکته توجه نمود که آسمان، محل تولید انرژی گرمایی، سرمایش، هوا، نور، باران و غیره بوده و به نوعی اغلب منابع حیات، ریشه در وجود آسمان دارند. نوع دوم ساحت پاسخی گوی نیازهایی حیات، ساحت نفس، روان یا ذهن انسان است. این ساحت حیات نیز تعالی و ارضای نیازهایی خویش را در ذهن بشر و با بطن آن عنصر و موضوع بررسی می‌نماید. به عنوان مثال برای شناخت آسمان از بعد روانی، تأثیر رنگ آبی آسمان بر ایجاد آرامش و یا رنگ‌های طوسی و سیاه در مواقع ابر و طوفان بر آشفته سازی روان انسان و یا دل‌گرفتنی یا تأثیر بلندی آسمان و سکوت آن در ذهن است. ساحت سوم، ساحت روح و معناست. این ساحت صرفاً به بیان زیبایی‌نپرداخته و هر آنچه بیان می‌شود، به دلیل ماهیت معنوی و روحانی خویش، زیباست. این ساحت، بیانگر حالات درونی و اشتیاق فرد به ماوراءالطبیعه است و به همین دلیل روح را صیقل داده و بر صفای درون می‌افزاید. لذا وجود آسمان از دیدگاه معنوی، محل و حضور خداوند و به همین جهت مکان نیایش و ارتباط با خالق است و

معنای واقعی زندگی یعنی تأمین نیازهای احترامی و خودشکوفایی در مراحل بالاتر هرم نیازهای مازلو است. به بیان دیگر برای انتقال این معانی، سلسله مراتبی وجود دارد که بر اساس آن، معنای هر سطح به سطوح بالاتر محدود می‌شود (صفایی پور و همکاران، ۱۳۹۲).

از آنجاکه بسیاری مکاتب فکری صرفاً بر جنبه‌های مادی و در نتیجه بر نیازهای مادی انسان تأکید می‌ورزند و این‌گونه تفکرات با درجه بندی کردن نیازهای انسان به درجات مختلف، شرط احساس نیاز انسان به هر مرتبه (مراتب بالاتر) را ارضاء نیاز مرحله پایین تر می‌دانند (نقی‌زاده، ۱۳۹۱)؛ با مطالعه نیازهای انسان بر مبنای هرم مازلو، تفکر وابستگی نیازهای موجودات به هم و همچنین رشد نیازها با تأمین و گذر از نیازهای پایین تر به خوبی روشن می‌گردد.

بر اساس جدول ۱، انسان سه ساحت وجودی دارد که برای هر ساحت نیز یکسری نیاز هم نام قابل شناسایی‌اند. جنبه‌ای از نظریات و آرا که از هر ساحت منبعث شده و به عنوان علت فاعلی عمل می‌نماید به ترتیب عبارت‌اند از آرای قدسی (عقل کلی)، آرای انسانی (عقل جزئی) و آرای مادی (گزینه). در واقع اگر علت فاعلی ساحت روحانی حیات باشد که در پی رفع نیازهای معنوی است با استناد به عقل کلی و آرای قدسی عمل می‌کند. اگر علت فاعلی ساحت روانی (ذهنی) انسان باشد با تکیه بر عقل جزئی و (آرای انسانی) به عنوان علت فاعلی در پی رفع نیازهای روانی و ذهنی خواهد بود و اما اگر علت فاعلی جنبه مادی و فیزیکی حیات انسان باشد، رفع نیازهای مادی و فیزیولوژیکی هدف خواهد

جدول ۱. روابط علل اربعه و ساحت‌های حیات انسان در ایجاد هنرهای ما به ازای هر ساحت حیات (مأخذ: نقی‌زاده، ۱۳۸۰)

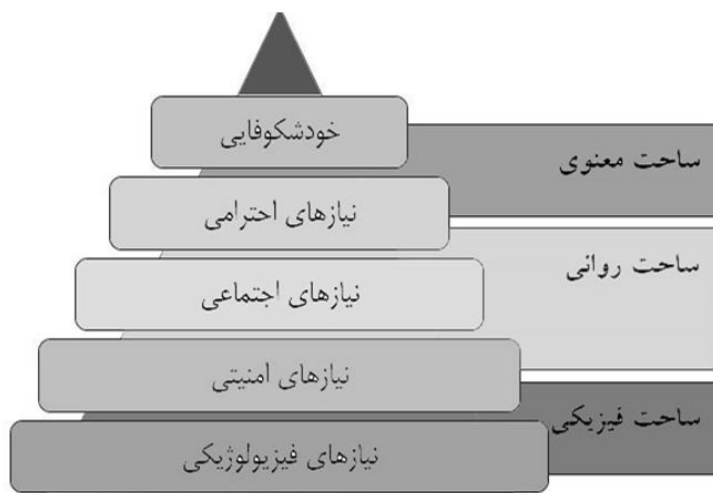
ساحت‌های حیات انسان			علت فاعلی
ساحت مادی	ساحت روانی	ساحت روحانی	
نیاز مادی و فیزیولوژیکی	نیاز روانی و ذهنی	نیاز معنوی و روحانی	
آرای مادی (غریزه)	آرای انسانی (عقل جزئی)	آرای قدسی (عقل کلی)	
ماده و قوانین مادی			
توجه به بازدهی حداکثر اقتصادی	توجه به نشانه‌های قراردادی و طبیعت	توجه به باطن و ملکوت اشیاء (آیات و سمبل‌ها)	علت مادی
هنر مادی، هنر مجازی، هنر شیطانی	هنر انسانی	هنر قدسی، هنر رحمانی، هنر الهی	علت صوری
تهییج و تحریک غرایز و شهوات، غفلت، لذت مادی	ارضای نیاز روانی، رفاه، برابری، تناسب و زیبایی‌های بصری، حظ روانی	تقرب به آرمان‌های معنوی حیات، عرفان، آگاهی، علم وصول جمال روحانی، بهجت	علت غائی

پرداخته، به شیوه توصیفی تحلیلی و استدلال منطقی میزان حضور آسمان در برخی از نگاره‌های دوره صفوی (دوره طلایی هنر و معماری ایرانی اسلامی) مورد بررسی قرار داده و تأثیرگذاری حضور آسمان بر تأمین برخی از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی، اجتماعی، احترامی و خودشکوفایی انسان‌های ساکن فضاهای معماری را در سه ساحت مادی، روانی و معنوی مورد ارزیابی قرار داده است. در این روش، علیرغم دیدگاه واقعی در فضای سه‌بعدی که زمین و متعلقات آن را محاط در آسمان دانسته (و از این دیدگاه، تأثیر آسمان بر فضای زندگی انسان از هر جهت بسیار زیاد خواهد شد)، به جهت بررسی آسمان در فضای دویبعدی، صرفاً آسمان با همان ویژگی‌های شناخته شده مانند رنگ و عناصر موجود در آن از جمله ماه و خورشید و ابر، در نظر گرفته می‌شود. به همین جهت، ابتدا فضاهای پر در تصویر شامل عناصر

در نگاره‌ها نیز: منظره تغییر شکل یافته‌ای است که نمادپردازی بهشت زمینی و موطن آسمانی در چشم‌اندازی فاقد سایه است که در آن هر چیزی از جوهری به‌غایت پراچ ساخته شده (بورکهارت، ۱۳۸۶، ۱۷۴) و به همین سبب در بررسی آثار هنرمندان، آنچه مورد اهمیت است، نگاه هنرمندان به آسمان جهت تأمین نیازهای انسان از سه ساحت مادی و روانی و معنوی است که با توجه به مدلی که قبلاً ارائه گردید و در شکل ۲ نیز دیده می‌شود، هرم نیازهای انسان که توسط مازلو، مدل شده را در برمی‌گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی نظری است که با رویکردی کیفی: به فهم پدیده‌ها از دیدگاهی کل‌نگر و همه‌جانبه (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۴)



شکل ۲. تطبیق نیازهای انسان بر اساس هرم مازلو با ساحت‌های انسان.

از نقاشی اروپایی و نمادی از نور خورشید و روز است، نمایان شده است که همراه با ابرهای پویا و موج سفیدرنگ باد خورده به تصویر کشیده شده است (گودرزی و حلیمی، ۱۳۸۵). مهم‌ترین ویژگی‌های نگارگری‌های دوره صفوی عبارت‌اند از: تبدیل جهان سه‌بعدی به دوبعدی و بهره‌گیری از تدابیر مختلف برای اجتناب از مشکلات حاصل از آن، کاربرد مطمئن و استادانه رنگ‌های موزون و پر کردن زمینه با آسمان و پرندگان و درختان، استفاده از آسمان طلایی و آب‌نقره فام و سروهای سبز تیره، واقع‌گرایی، بازنمایی وقایع تاریخی، نگاره‌های مستقل از متن و با صحنه‌های خیالی و مستقل شدن نگارگری از کتابت (کریمیان و جایز، ۱۳۸۶).

بررسی نقش حضور آسمان از منظر ساحت مادی در نگارگری عصر صفوی

در بررسی نقش آسمان از ساحت مادی در آثار نگارگری دوره صفوی می‌توان ادعان داشت که آسمان به‌عنوان یک منبع پایان‌ناپذیر نعمت‌های الهی مانند تأمین غذا و خوراکی، نور، گرما، باران، آب و غیره و با ایجاد آسایش فیزیکی، در تأمین نیازهای فیزیولوژی و امنیت، همیشه مورد توجه نگارگران ایرانی بوده و در اغلب آثار نگارگری این دوره می‌توان بخشی از نیازهای اساسی انسان را در نگرش مادی به آسمان، مشاهده کرد. منطبق بر جدول ۲، نگاره «دختر هفتاد و گرم» علاوه بر نمایش داستان روزی بخشی طبیعت بر هفتاد و خانواده‌اش، با تصویری از عناصر طبیعی از جمله درخت، گیاه، کوه، حیوان و عناصر مصنوع مانند ساختمان، زندگی جاری مردم بر روی زمین و محاط در آسمان را به نمایش می‌گذارد. آسمان در این نگاره، تأمین‌کننده هوا، نور، گرما، سرزندگی گیاهان و حیوانات برای تأمین غذا و ... بوده و فضای امنی را برای فعالیت‌های روزمره جانداران فراهم کرده است. همچنین نگاره «ساختن کاخ خورنق» در جدول ۳، علیرغم محوریت ایجاد بنا، با نمایش آسمان در پس‌زمینه با تفاوت رنگی بارز با کل زمینه (یکنواختی رنگ ساختمان و زمین و نوشته)، بر لزوم وجود آسمان در زندگی مادی انسان، تأکید می‌نماید. از این‌رو در بسیاری از آثار هنرمندان این دوره، آسمان از ساحت فیزیکی و مادی اشاره به نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی داشته و نگرشی مادی به آسمان دارد.

بررسی نقش حضور آسمان از منظر ساحت روانی در نگارگری عصر صفوی

بررسی آثار نگارگری دوره صفوی نشان می‌دهد که در بسیاری از آثار هنرمندان دوره صفوی، موضوعات شادی و نشاط روانی مردم در قالب به تصویر کشیدن مراسم‌های اجتماعی و مجالس بزم و شادی



کالبدی، اشیاء، گیاهان و انسان‌ها و همچنین فضاهای خالی در تصویر با شناسه‌های مرتبط با آسمان، تفکیک گردیده و سپس با تقسیم‌بندی هر نگاره به ابعاد مساوی در هر تصویر (پیکسل‌های منظم)، میزان سطحی از اثر که توسط آسمان پوشانده شده است، محاسبه و نهایتاً با استفاده از روش‌های آماری، درصد سطح اشغال نگاره توسط آسمان در جدول مربوطه تعیین شده است.

مروری بر آثار نگارگری عصر صفوی و تجزیه و تحلیل آن‌ها از جنبه آسمان و ساحت‌های سه‌گانه میات انسانی



آسمان، به‌عنوان عنصری کلیدی در کلیه مکاتب نگارگری ایرانی، یا غالب بر حالات و احوال نگارگری و یا به‌عنوان عنصری اثرگذار در این آثار حضور داشته است. در عین حال با پژوهشی که در نقش آسمان و میزان حضور آن در مکاتب مختلف به عمل آمد، میزان تأثیر نقش آسمان در هنر عصر صفوی، به مراتب بیش از سایر مکاتب بود و به همین جهت و هم به دلیل نزدیک‌تر بودن این دوره به دوران معاصر، در مرحله بررسی نقش آسمان بر ساحت‌های مختلف انسانی، صرفاً به بررسی آثار نگارگری دوره صفویه بسنده گردید.

صفویان، هنرمندانی با اعتقاد به ابعاد مختلف مادی و به‌ویژه روانی و معنوی بوده و این اعتقاد و باور، در اغلب آثار هنری از جمله معماری و نگارگری قابل مشاهده است. اتکا بر حضور عمیق عرفان و ادبیات عرفانی در نگارگری، باعث ارتقاء حضور آسمان در هنر این دوران شده و کاهش پیوند و نقطه اتصال میان محیط مصنوع و منظره طبیعی باعث نمود بیشتر نقش آسمان بارنگ‌های طلایی در صبح و ظهر، قرمز و بنفش در عصر و لاجوردی در شب، جهت ایجاد قابلیت تجزیه و تحلیل گردیده است. نگارگران این دوره به پیروی از سنت مکتب بهزاد؛ علاقه‌ای وافر در تصویر کردن محیط زندگی و امور روزمره داشتند. آن‌ها می‌کوشیدند تا نمودی کامل از دنیای پیرامون را در نگاره‌های کوچک بگنجانند؛ از این‌رو، سراسر صفحه را با پیکرها و تزئینات معماری و جزئیات منظره پر می‌کردند ... و سنت فضا سازی مفهومی نیز به قوت خود باقی است. به سخن دیگر، فضا همچنان با نشانه‌های انتزاعی از جهان واقعی تعریف می‌شود (پاکباز، ۱۳۹۳، ۹۱). نگارگر ایرانی در این دوره به‌طور کلی طبیعت را در نگاره‌هایش بر دو قسم آسمان و زمین تقسیم می‌کرده است و برای هر یک از اجزاء آن معانی و تعاریفی را نیز در نظر داشته است (گودرزی و حلیمی، ۱۳۸۵). در نگاره‌های دوره صفوی، آسمان نیل به معنویت زوال‌ناپذیر دارد و هر آنچه در آسمان‌ها است همگی نشان از معنویت و نظم مقدس کیهان دارند (شوالیه، ۱۳۸۸، ۱۸۶). همچنین رنگ اصلی زمینه در آسمان آبی لاجوردی، به نماد شب و یا طلایی که متأثر

جدول ۲. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی برمبنای تطبیق نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی هرم مازلو با ساحت فیزیکی انسان.

اصل نگاره	سطح آسمان در نگاره	مادی یا فیزیکی (تأمین نیازهای امنیتی و فیزیولوژیکی)	ساحت اثر
		دختر هفتاد و کرم	نام اثر
		دوست محمد	نام نگارگر
		طلایی	رنگ آسمان
		بالا	جهت قرارگیری آسمان در نگاره
		۱۳/۹۶	نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره
شاهنامه شاه تهماسب	منبع اثر	۱۴ درصد	درصد حضور آسمان در نگاره
در این اثر، آسمان در رنگ طلایی روز و به معنای عنصری برای تأمین حیات انسان، با هوای خوب، گرمای لطافت بخش، سرزندگی گل‌ها و بخشندگی طبیعت به مدد حضور زمین و آسمان در اهداء سیب روزی بخش دختر هفتاد به تصویر درآمده است.			تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره

جدول ۳. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی برمبنای تطبیق نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی هرم مازلو با ساحت فیزیکی انسان.

اصل نگاره	سطح آسمان در نگاره	مادی یا فیزیکی (تأمین نیازهای امنیتی و فیزیولوژیکی)	ساحت اثر
		ساختن کاخ خورنق	نام اثر
		کمال‌الدین بهزاد	نام نگارگر
		آبی	رنگ آسمان
		بالا	جهت قرارگیری آسمان در نگاره
		۱۱/۱۲۲	نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره
خمسه نظامی	منبع اثر	۹ درصد	درصد حضور آسمان در نگاره
تصویر حاضر، با نمایش ساخت یک بنا برای ایجاد امنیت، آسایش و آرامش با پیوند زمین و آسمان در فضای ساخت، بر تأمین نیازهای فیزیکی انسان از جمله نور، هوا، گرما و غیره به واسطه‌ی آسمان، تأکید می‌نماید.			تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره

در آن‌ها و تأثیر آسمان و فضای باز، در ایجاد آسایش روانی افراد، تأکید می‌نماید.

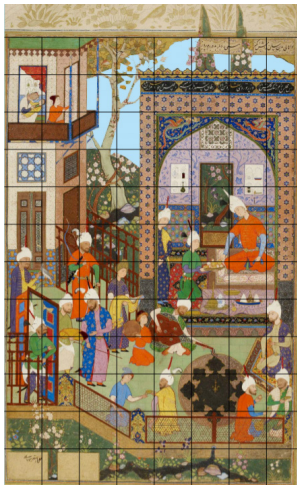

همچنین در نگاره «خسرو بر در کاخ شیرین»، در جدول ۵، با ادغام لایه‌های متفاوت محیط طبیعی و مصنوع، رویارویی دو انسان برای بیان عشق و دوستی در فضایی میان زمین و آسمان رخ می‌دهد. نکته حائز اهمیت در این نگاره این است که حضور آسمان و تأثیر آن بر داستان، در همه‌ی قسمت‌های نگاره مشاهده شده و تفاوت رنگ آسمان در داخل و خارج بنا، می‌تواند بیانگر حالات روانی افراد از شرایط باشد.

بررسی نقش حضور آسمان از منظر ساحت معنوی در نگارگری عصر صفوی

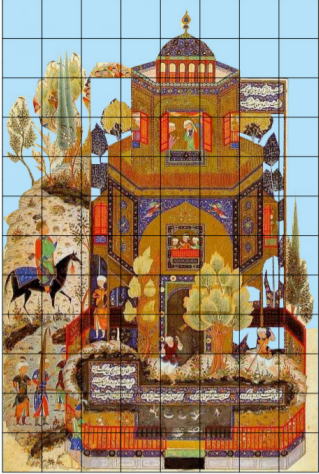
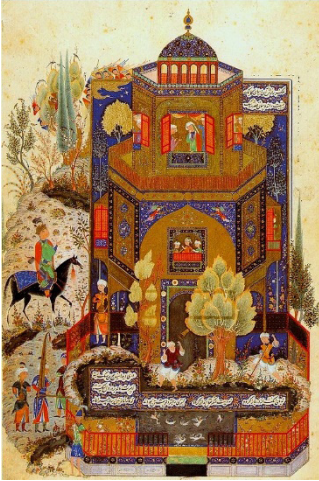
رشد مذهب شیعه در عصر صفوی، باعث افزایش بار معنوی بسیاری از هنرهای این دوره از جمله نگارگری گردید: مینیاتور (نگارگری) ایرانی با پیروی کامل از مفهوم فضای منفصل، توانست سطح دوبعدی مینیاتور را به تصویری از مراتب وجود بدل سازد و بیننده را از افق حیات عادی و وجدان روزانه خود، به مرتبه‌ای عالی‌تر از وجود و آگاهی ارتقاء دهد و او را متوجه جهانی سازد مافوق این جهان جسمانی، اما

در فضای باز و یا نیمه‌باز با حضور آسمان است که این امر بیانگر تأثیرپذیری روح و روان انسان از محیط طبیعی بالأخص آسمان است. در این تصاویر به‌جامانده، حضور آسمان و محیط طبیعی در آثار، به معنای حس آدمیان به فضایی امن که هم از بعد مادی در شرایط محیطی مناسب و هم از بعد روانی به دلیل امنیت مردم از عدم فضای مخاطره‌آمیز در محیط طبیعی است، قابل مشاهده است. از طرفی در اغلب این تصاویر روابط اجتماعی، بیان عشق و دوستی که برای سلامت روان انسان لازم و ضروری است، در فضای باز و یا نیمه‌باز به نمایش گذارده شده است. همچنین حس استقلال، قدرتمندی، موفقیت، شهرت و غیره، جهت پاسخگویی به نیازهای احترامی در بعد روانی ساحت انسان، در همین تصاویر با فضاهای باز و نیمه‌باز و با حضور غالب و یا نیمه غالب آسمان بر روابط انسان، قابل مشاهده است. با عنایت به ساحت روانی آسمان، آسمان با مضمون تأثیرگذاری بر روان انسان و ایجاد آرامش در ساحت روانی از باب تأمین نیازهای امنیتی، اجتماعی و احترامی مطابق با جدول ۴، در نگاره‌ی «خسرو پرویز به نوای بارید گوش فرا می‌دهد»، با نمایش اجرای موسیقی در زیر آسمان، برافزایش سلامت روان انسان و ایجاد نشاط

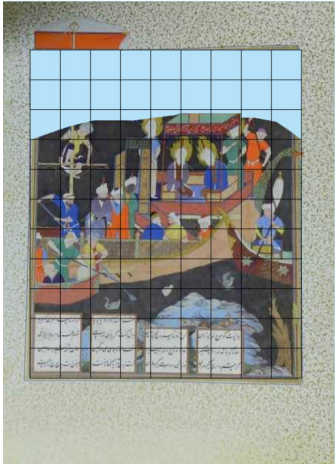

جدول ۴. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی بر مبنای تطبیق نیازهای امنیتی، اجتماعی، احترامی هرم مازلو با ساحت روانی انسان.

ساحت اثر	روانی (تأمین نیازهای امنیتی و اجتماعی و احترامی)	سطح آسمان در نگاره	اصل نگاره
نام اثر	خسرو پرویز به نوای بارید گوش فرا می‌دهد		
نام نگارگر	میرزا علی		
رنگ آسمان	آبی		
جهت قرارگیری آسمان در نگاره	بالا و مرکز		
نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره	۴/۱۰۰		
درصد حضور آسمان در نگاره	۴ درصد	منبع اثر	خمسه نظامی
تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره	در نگاره حاضر، علاوه بر تأثیر روانی موسیقی بر انسان، نیازهای اجتماعی افراد نیز مثل سایر آثار این دوران، در فضاهای جمعی و شاد و در محیطی امن در زیر آسمان آبی و یا فضاهایی نیمه‌باز که آسمان را به درون خود می‌کشد، تأمین می‌گردد.		

جدول ۵. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی بر مبنای تطبیق نیازهای امنیتی، اجتماعی، احترامی هرم مازلو با ساحت روانی انسان.

ساحت اثر	روانی (تأمین نیازهای امنیتی و اجتماعی و احترامی)	سطح آسمان در نگاره	اصل نگاره
نام اثر	خسرو بر در کاخ شیرین		
نام نگارگر	کمال‌الدین بهزاد		
رنگ آسمان	طلایی		
جهت قرارگیری آسمان در نگاره	بالا، پیرامون و درون بنا		
نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره	۲۵/۹۶		
درصد حضور آسمان در نگاره	۲۷ درصد	منبع اثر	خمسه نظامی
تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره	در اثر خسرو بر در کاخ شیرین، با نمایش آسمان تودرتو که بخشی از آن بیرون کاخ و بخشی در درون کاخ نشان داده شده است، تأثیر آسمان در همه لحظات و فضاهای حاکم بر داستان را به نمایش گذاشته و پیوند نیازهای اجتماعی و احترامی از بعد روانی دو انسان بالغ را در فضای امن و تحت نفوذ آسمان طلایی روز با آغاز تصویر از زمین و ختم آن به آسمان می‌توان شاهد بود.		

جدول ۶. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی بر مبنای تطبیق نیازهای احترامی، خودشکوفایی هرم مازلو با ساحت معنوی انسان

ساحت اثر	معنوی (تأمین نیازهای احترامی و خودشکوفایی)	سطح آسمان در نگاره	اصل نگاره
نام اثر	کشتی نجات		
نام نگارگر	میرزاعلی		
رنگ آسمان	آبی لاجوردی		
جهت قرارگیری آسمان در نگاره	بالا		
نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره	۲۱/۹۰		
درصد حضور آسمان	۲۳ درصد	منبع اثر	شاهنامه شاه تهماسبی
تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره	حضور آسمان لاجوردی در این نگاره که نشان از قدرت لایزال الهی دارد و طلوع خورشید درخشان بر فراز آسمان و بر حضرت امام حسین (به‌عنوان کشتی نجات شیعیان)، تکمیل‌کننده‌ی توجه به ساحت معنوی انسان در نگاره‌های عصر صفوی با تفکر قوی شیعی است.		

جدول ۷. تحلیل نقش آسمان در آثار نگارگری ایرانی بر مبنای تطبیق نیازهای احترامی، خودشکوفایی هرم مازلو با ساحت معنوی انسان

اصل نگاره	سطح آسمان در نگاره	معنوی (تأمین نیازهای احترامی و خودشکوفایی انسانی)	ساحت اثر
		معراج	نام اثر
		سلطان محمد	نام نگارگر
		آبی لاجوردی	رنگ آسمان
		همه جهات	جهت قرارگیری آسمان در نگاره
		۵۷/۹۰	نسبت سطح آسمان به سطح کل نگاره
		۶۰ درصد	درصد حضور آسمان
		خمسه نظامی	منبع اثر
تصویر معراج پیامبر در آسمان به معنای نیاز معنوی انسان و میل به خودشکوفایی و ظرفیت او در نیل به حقیقت است. آسمان در این نگاره، فضای سیر انسان از دنیای مادی به معنویات است و وجود فرشتگان در ترکیب رنگ لاجوردی و طلایی آسمان علاوه بر تأکید بر نور احدیت، بر غنای معنوی آسمان می‌افزاید.		تحلیل اثر از منظر حضور آسمان در نگاره	

معنوی و الهی عصر صفوی گردیده است.

نتیجه‌گیری

انسان از بدو تولد با شکل‌گیری ساحت مادی و نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی‌اش رو به رشد می‌نهد و پس از گذر از دوران نوزادی و شکل‌گیری شخصیت اولیه‌اش، کم‌کم در فضای شناخت ساحت روانی و تأمین نیازهای امنیتی روانی، اجتماعی و همچنین مورد احترام و محبت قرار گرفتن، دیده شدن و عشق ورزیدن، قرار می‌گیرد. به دلیل کافی نبودن تأمین این نیازها برای انسان به دلیل پاسخگویی به فطرت ازلی‌اش، ساحت معنوی را با تأمین نیازهای احترامی و خودشکوفایی به‌منزله حس استقلال، رهایی و اتصال به نیرویی ماورایی تجربه می‌نماید. همه این ساحت‌ها و نیازها در محیطی شکل می‌گیرد که اساس آن بر مبنای دو عنصر زمین و آسمان بوده و بررسی حضور آسمان، در هنر ایران زمین و به‌ویژه در نقاشی در دوره‌ها و مکاتب مختلف و همچنین بررسی حالات و ساحت‌های وجودی انسان به‌عنوان مهم‌ترین مخلوق خداوند و از طرفی تحلیل معنا و مفهوم بیان آسمان در این هنر از منظر تصویرگر و همچنین بیننده اثر،

دارای زمان و مکان و رنگ‌ها و اشکال خاص خود؛ جهانی که در آن حوادثی رخ می‌دهد، اما نه به نحو مادی. این جهان است که حکمای اسلامی آن را عالم خیال یا مثال و یا عالم صور معلقه خوانده‌اند... حتی حیوانات و نباتات صحنه‌های مینیاتور (نگارگری)، صرفاً تقلید از عالم طبیعت نیست، بلکه کوششی است در مجسم ساختن آن طبیعت بهشتی و آن خلقت اولیه و فطرت؛ همان فردوس برین و جهان ملکوتی که در این لحظه نیز در عالم خیال یا عالم مثال فعلیت دارد (نصر، ۱۳۷۳).

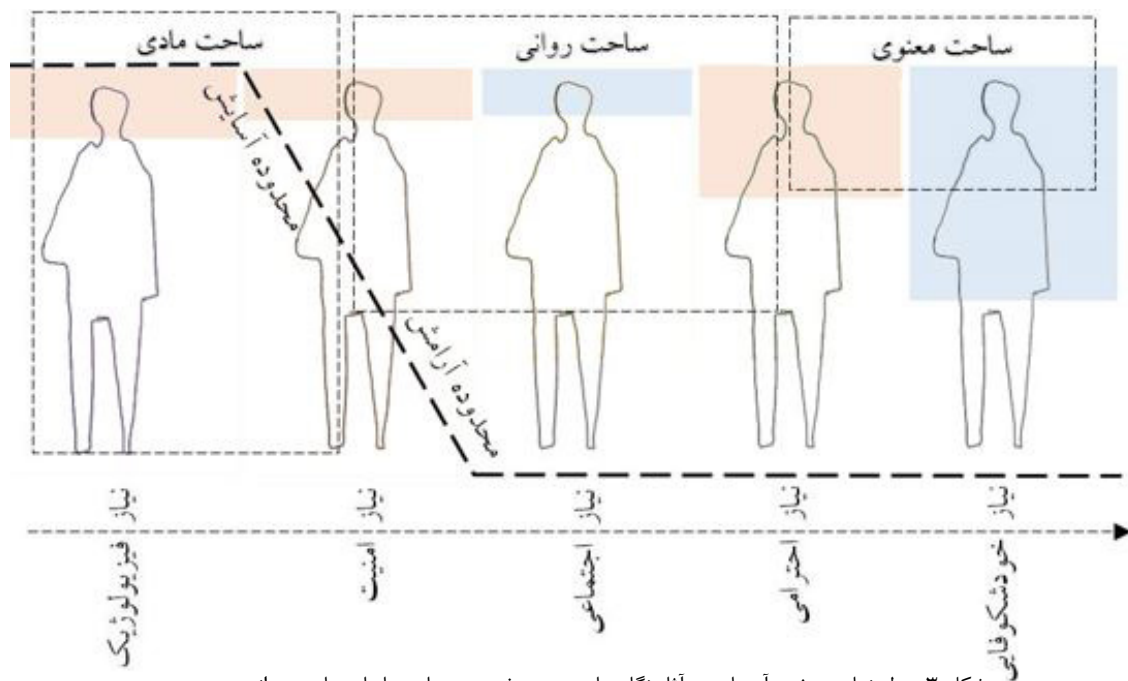
بر همین اساس، جدول ۶ و ۷، با تحلیل نگاره‌های «کشتی نجات» و «معراج» پیامبر در آسمان که به معنای نیاز معنوی انسان و میل به خودشکوفایی و ظرفیت او در نیل به حقیقت است، با انفصال جسم و جان انسان از عالم مادی، فضای سیر انسان به سوی معنویات را به نمایش می‌گذارد. همچنین وجود فرشتگان، در ترکیب رنگ لاجوردی و طلایی آسمان علاوه بر تأکید بر نور احدیت، بر غنای معنوی آسمان افزوده و این آسمان معنوی با ایجاد انگیزه در انسان جهت احترام فردی، احترام اجتماعی، عزت‌نفس و خودشکوفایی و برقراری ارتباط با عالم بالا برای رسیدن به غنا و بی‌نیازی و در نهایت باعث شکوفایی هنر

جدول ۸. مقایسه تطبیقی ساحت‌های مادی، روانی و معنوی حضور آسمان در نگارگری دوره صفوی

ساحت اثر	رنگ آسمان	نسبت سطح آسمان به کل نگاره	درصد حضور آسمان	میانگین درصد حضور آسمان
مادی یا فیزیکی	طلایی	۱۳/۹۶	۱۴٪	۱۱/۵٪
	آبی	۱۱/۲۲	۹٪	
روانی	آبی	۴/۱	۴٪	۱۵/۵٪
	طلایی	۲۵/۹۶	۲۷٪	
معنوی	آبی لاجوردی	۲۱/۹	۲۳٪	۴۱/۵٪
		۵۷/۹	۶۰٪	

بیانگر جایگاه ویژه آسمان در جسم و روان انسان‌ها در هر دوره‌ای بوده و بر اثربخشی وجود آسمان بر رفع نیازهای حیاتی انسان تأکید می‌ورزد. این تأکید به اندازه‌ای است که بخش قابل توجهی از تصویر را شامل شده و با پس‌زمینه رنگ آبی یا طلایی بر حضور حداکثری آسمان در زندگی انسان‌ها و نقش محوری آن بر رفع نیازهای مادی و روانی و معنوی او، گاهی حتی بر زمین نیز تسلط دارد. لذا مطابق با جدول ۸، هریک از ساحت‌های مادی و روانی و معنوی آثار برگزیده نگارگری دوره صفوی بر اساس یک مقایسه تطبیقی، بررسی گردیده

و میانگین درصد حضور آسمان در نگاره‌های مذکور، به ترتیب برای هریک از ساحت‌های مادی و روانی و معنوی، ۱۱.۵٪، ۱۵.۵٪ و ۴۱.۵٪ است و بیانگر این موضوع است که در این دوره، وجود آسمان به‌عنوان یک عنصر کلیدی در فضای معماری به‌خصوص در پرورش بعد معنوی انسان، در هنر آنان نیز به تجلی درآمده است. همچنین شکل ۳، مدل نهایی حضور آسمان در زندگی انسان برمبنای ساحت مادی، روانی و معنوی برگرفته از نگارگری عصر صفوی است. این مدل که برگرفته از ارزیابی و تحلیل‌های پژوهش حاضر است،



شکل ۳. مدل نهایی حضور آسمان در آثار نگاره‌های دوره صفوی برمبنای ساحت مادی، روانی و معنوی

۲. بوركهارت، تیتوس. (۱۳۸۶). *مبانی هنر/اسلامی*. (امیر نصری، مترجم). تهران: حقیقت. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).
۳. پاکباز، رویین. (۱۳۹۳). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: انتشارات شادرنگ.
۴. حیدرخانی، مریم. (۱۳۹۴). *نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخ معماری ایران*. *مطالعات معماری ایران*، ۴(۷)، ۱۵۱-۱۶۲.
۵. سمیعی، امیر؛ خدابخشی، سحر؛ و فروتن، منوچهر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی بازنمایی فضای معماری سنتی در آثار نقاشی و معماری معاصر ایران، نمونه موردی، آثار نقاشی پرویز کلانتری و آثار معماری سید هادی میرمیران. *آرمان شهر*، ۹(۱۷)، ۶۳-۷۸.
۶. شوالیه، زان. (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*. (سودابه فضائی، مترجم). تهران: انتشارات جیحون. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۶).
۷. صفایی پور، هادی؛ معاریان، غلامحسین؛ و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی نقش آسمانه در شخصیت بخشی به فضا در معماری اسلامی ایران. *کتاب ماه هنر*، ۱۶(۱۸۰)، ۱۲-۲۰.
۸. زرغام، ادهم؛ و حیدری، الهام. (۱۳۹۳). بررسی آسمان در نگارگری از آغاز تا سده دهم هجری. *بیکره*، دانشکده هنر دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۶)، ۲۵-۴۰.
۹. فروتن، منوچهر. (۱۳۸۹). زبان معماران نگاره‌های ایرانی (بررسی ویژگی‌های نگاره‌های ایرانی به‌عنوان اسناد تاریخی معماری اسلامی ایران). *هویت شهر*، ۴(۶)، ۱۳۱-۱۴۲.
۱۰. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در معماری*. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۱۱. کریمیان، حسن؛ و جایز، مژگان. (۱۳۸۶). تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری. *مطالعات هنر/اسلامی*، ۴(۷)، ۶۵-۸۸.
۱۲. گودرزی، مرتضی؛ و حلیمی، نگاره. (۱۳۸۵). پژوهشی پیرامون طبیعت در نگاره‌های ایرانی. *خیال شرقی*، ۲(۳)، ۸۴-۸۶.
۱۳. نصر، سید حسین. (۱۳۷۳). *عالم خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی*. *هنر*، ۱۴(۲۶)، ۷۹-۸۶.
۱۴. نصر، سید حسین. (۱۳۷۵). *هنر و معنویت/اسلامی*. (رحیم قاسمیان، مترجم). تهران: دفتر مطالعات دینی هنر. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
۱۵. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۰). *ساحت‌های حیات و مراتب هنر*. *نامه فرهنگ*، ۹(۴۲)، ۱۵۷-۱۶۷.
۱۶. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). *تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی*. *کتاب ماه هنر*، ۱۵(۱۷۰)، ۲۸-۵۵.

نشانگر این موضوع است که وسعت آسمان در نگارگری‌های مکتب دوره اصفهان، در ساحت مادی، کمتر، در ساحت روانی، متوسط و در ساحت معنوی، بیشتر بوده و رنگ طلایی آسمان عموماً برای بیان تأمین نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی و احترامی انسان و رنگ آبی آسمان، غالباً برای بیان نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی او استفاده گردیده است. همچنین، نقش آسمان در نگاره‌های این عصر در بعد مادی، ایجاد آسایش و در ابعاد روانی و معنوی به آرامش انسان منجر گردیده و آسمان محیط بر وجود انسان در نگاره‌هایی که بیانگر ساحت معنوی انسان هستند، اهمیت نقش آسمان در پرورش معنوی انسان را نشان می‌دهند. بر همین اساس، می‌توان اذعان داشت که آسمان معنوی با ایجاد انگیزه در انسان جهت احترام فردی، احترام اجتماعی، عزت نفس و خودشکوفایی و برقراری ارتباط با عالم بالا، باعث تأمین نیازهای معنوی انسان‌ها در عصر صفوی و شکوفایی هنر معنوی و الهی این دوران شده است. لذا همان‌گونه که در مقدمه‌ی پژوهش حاضر، حذف مظاهر طبیعی از جمله آسمان از فضای زندگی انسان امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده‌ی بیماری‌های جسمی و روانی مطرح گردید و از طرف دیگر، اهمیت ورود معماری در سایر هنرها از جمله نقاشی به‌عنوان واسطه‌ای برای عرضه‌ی معنا تبیین گردید، با مشاهده و بررسی اثر حضور آسمان در فضای نگارگری دوره صفوی به‌عنوان عصر طلایی هنر و معماری ایران اسلامی، می‌توان اذعان داشت که حضور و تجلی آسمان در آثار هنر و معماری امروز، می‌تواند باعث افزایش کیفیت زندگی در سه ساحت مادی، روانی و معنوی انسان عصر حاضر گردد.

با توجه به گستردگی و اهمیت موضوع آسمان در فضای زندگی و تأمین نیازهای انسان، پیشنهاد می‌گردد موضوعاتی از قبیل ارتباط حضور آسمان در فضای معماری و نگارگری سایر مکاتب، همچنین مظاهر تجلی آسمان از جمله نمادها و عناصری که در معماری ایرانی اسلامی (شمسه، گنبد و...) نماد آسمان می‌باشند، در پژوهش‌های آتی موردبررسی قرار بگیرند.

فهرست مراجع

۱. برهانی فر، سحر؛ موسوی، سید جلیل؛ طلپسچی، غلامرضا؛ و مظهری، محمدابراهیم. (۱۳۹۶). انتقال معنای اثر نقاشی در معماری، بازگویی معنای اثر نقاشی مادام دوسون ویل و مجموعه استودیو در معماری خانه دیوار. *باغ نظر*، ۱۴(۴۶)، ۵۱-۶۴.

Explanation of the Connection between the Existence of the Sky in the Architecture and Painting of the Safavid Period from the Perspective of Areas of Human Life

Zahra Alsatat Hosseini, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Art & Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Seyed Gholamreza Islami, Professor, Department of Architecture, College of Fine Arts, Tehran University, Tehran, Iran.*

Abstract

From the moment of birth, human beings grow with the formation of their physical, physiological, and security needs, and then they are placed in the space of knowing the psychological realm and providing psychological and social security needs, as well as being respected and loved and loved. Due to the insufficient provision of these needs for human beings, he experiences the spiritual realm with the provision of respectful and self-fulfilling demands. All these areas and requirements are formed in an environment that is based on the two elements of earth and sky. However, being surrounded by the modern world, the contemporary man is influenced by self-made architectural space, which is led to mental and physical disease due to the elimination of natural elements such as the sky. Moreover, human needs are categorized based on the response to his physical, psychological, and spiritual aspects, which affect his activities according to the theory of thinkers. Also, the dependence of art on nature has caused people to express what they have learned from nature through art. In this regard, Iranians, who have had a special respect for nature from the past to the present, have been inspired by nature. According to Iranian mythology, the sky, as the father of nature, vast and glorious, has played a key role in shaping Iranian art. Iranian art from the past to the present, including stories and legends, poets, miniatures and paintings, music, carpets, shows the role of the sky in meeting human needs. On the other hand, the representation of the sky in the arts can prove its effect on the health of the human body and soul to emphasize the importance of the existence of the sky in the living space of human beings. In order to show the effect of the sky on the improvement of human life, two views have been applied, including Western and Islamic ones based on Maslow's view, and human areas, based on the Islamic view. Study of the existence of the sky in Iranian art and especially in painting and analyzing the meaning and concept of the sky in this art shows the special place of the sky in the body and mind of human beings and also considers the existence of the sky necessary to meet human vital needs. It should be noted that a large part of the image in blue or gold color shows the role of the sky in meeting the material, psychological and spiritual needs of human beings. By using the qualitative approach, a descriptive-analytical method, and logical reasoning, the present theoretical research studies, how to extend the sky appears in the prominent Safavid paintings as well as which humans aspects are considered based on the pieces of evidence, are from the published library sources and the graphic works (Shahnameh, Shah Tahmasebi and Khamseh Nezami). The results show the sky in the school of Isfahan causes meets spiritual needs in the Safavid era, flourishing spiritual arts in a way that motivates a man to communicate with the metaphysical world.

Keywords: Existence of the Sky, Architectural Space, Safavid Persian Painting, Areas of Human Life.

* Corresponding Author Email: gheslami@ut.ac.ir